کافکا و هذیان در «نقب»

ترجمه: رجایی، شعله

نگارندهء نامه‏هایی که از آن بوی پارانویا به مشام می‏رسد در داستان‏ کوتاه خود بنام«نقب»که در سال 1923 نوشته شده چنین می‏گوید: من حفره درست می‏کنم،من حفره درست می‏کنم.

نویسندهء نقب بسیار استثنایی است.حیوانی که با هیچ چیز قابل‏ مقایسه نیست.او ما را به ساختمان زیرزمینی پارانویا می‏برد. دیوارها را می‏سازد و خراب می‏کند.

کافکا با دقت بسیار تهدیدهای احتمالی را بیان می‏کند.راهنمای‏ پرحرف و زیرزمینی ما حفره‏ها را می‏کند.حفره‏هایی که سرشار از تونل و گودال است.در ورودی و خروجی که به آسانی می‏توان- بدون آنکه دیده شوی-داخل یا از آن خارج شد.

انبوه صداهای ناموزونی که در ماورای دیوارهای این گودال‏ زیرزمینی طنین دارند او را عصبانی می‏کنند.حیوان خود را در حلقه‏ای‏ گم شده می‏یابد.

این مرحله‏ایست که کافکا برای خوانندگانش دام گسترده است. آنها فریب می‏خورند.آیا مشکلی که او برای آنها از پارانویا ساخته‏ را می‏دانند یا نمی‏دانند؟

زیربنای این دانش از وهم و خیال ساخته شده.کافکا چنین می‏گوید:تنها دشمنان‏ خارجی نیستند که مرا تهدید می‏کنند بلکه در بطن زمین هم موجوداتی،که من‏ هرگز آنها را ندیده‏ام اما افسانه‏ها از آن سخن می‏گویند،مرا می‏آزارند.

این موجودات آزاردهنده داخل زمین هستند.حتی افسانه‏ها نتوانستند آن را توضیح بدهند.ما باید اطلاعات وسیعتری داشته باشیم.این حیوان دستخوش‏ تهدیدهای مخرب و ویرانگر است.

کافکا عقیده دارد تصورات ما در دوردست سفر می‏کنند و بر ضد ما حرکت دارند. حیوان می‏داند که محکوم به از بین رفتن است.اضطرابهایش افزون می‏گردد و خود را مجرم می‏داند زیرا خود او راههای پر پیچ و خم برای خود بوجود آورده‏ است.در مورد خود قضاوت می‏کند و از خود حمایت می‏کند.

رویای انسان مبتلا به پارانویا حمایت از حفره‏ء خود است.او می‏باید قدرت‏ داخل و خارج شدن را داشته باشد.تنها بوسیلهء زبان می‏توان به این ایده‏آل رسید. تنها توسط زبان که بسیار پر هیاهوست می‏توان رهایی یافت.کافکا تونلهایی‏ بوسیله زبان روی زمین حفر می‏کند.او توسط زبان برای خود پناهگاهی خیالی می‏سازد. نهایتا"نتیجهء این همه دغدغه چیست؟

افراط در کلام و همه چیز همچنان تغییرناپذیر باقی خواهد ماند.

(\*)شارل تالکوت،استاد ادبیات تطبیقی،دانشگاه پاریس.

(1). Franz Kafka Le Delire dans Un Terrier Charles Talcott.

(2).«نقب»عنوان داستانی کوتاه از کافکاست که در ترجمه‏ای دیگر لانه هم نامیده شده است.